

نفوذ آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی در بخش کلیات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

لمیا رستمی تبریزی*

سید صادق اکبری**

تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۸

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۷

چکیده

نویسندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با تأسی از باورهای جرم‌شناسی بزه‌دیده‌شناسی و بازتاب آنها در قوانین کیفری برای اجرای بهتر عدالت جنایی، تقویت جایگاه و نقش بزه‌دیده در فرآیند عدالت کیفری مقرراتی را در این راستا پیش‌بینی کردند. که می‌تواند به ارتقای جایگاه بزه‌دیده به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین کنشگران در نظام عدالت جنایی نیز کمک کند. قانون‌گذار از دو زاویه یکی توجه به سهم و نقش بزه‌دیده در وقوع جرم، از رهگذر بند «پ» ماده ۳۸ ق.م.ا و در بخش دیگر از رهگذر مواردی همچون پیش‌بینی عدالت ترمیمی در راستای احقاق حق جبران برای بزه‌دیده (بند «پ» ماده ۴۰ ق.م.ا)، گسترش کیفرزدایی از رهگذر تعویق مجازات و نظام نیمه آزادی در راستای حمایت از بزه‌دیده (مواد ۴۰ و ۵۸)، تقویت حمایت از بزه‌دیده در تعلیق مجازات (بند «ج» ماده ۳۳ ق.م.ا) بزه‌دیده این بازیگر فعال در فرایند کیفری که یکی از ارکان اصلی جریان کیفری و پدیده مجرمانه می‌باشد را مورد توجه و حمایت ویژه قرار داده است. بدین‌سان این توجه ویژه به بزه‌دیده می‌تواند زمینه‌ساز اجرای عدالت و تحقق اصل فردی‌کردن مجازات‌ها را فراهم کند. در این نوشتار از توجه به نقش بزه‌دیده در وقوع جرم (الف) و جلوه‌های حمایت از بزه‌دیده (ب) در بخش کلیات قانون مجازات اسلامی مواد (۱-۲۱۶) سخن به میان می‌آید.

واژه‌های کلیدی: قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲، بزه‌دیده، بزه‌دیده‌شناسی، جرم‌شناسی، حقوق کیفری،

عدالت ترمیمی

lamyatabrizi@gmail.com

akbariii_67@yahoo.com

* لمیا رستمی تبریزی، استادیار گروه حقوق جزا دانشگاه شهیدبهبشتی

** سید صادق اکبری کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

مقدمه

جرم‌شناسی یکی از رشته‌های علوم جنایی است که عوامل و فرآیندهای بزه‌کاری و بزه‌دیده‌گی، و نیز بزه‌کاران و حالت خطرناک آنان را به‌روش علمی مورد مطالعه قرار می‌دهد. (رحیمی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۷) در مورد تاریخ جرم‌شناسی و زمان به‌وجود آمدن آن مباحث زیادی مطرح گردیده و عده‌ای قایل شده‌اند که نمی‌توان برای این علم تاریخ خاصی را در نظر گرفت و یا بنیانگذار خاصی را مطرح کرد. اما عده‌ای دیگر تاریخ آن را به سه دوره‌ی غیر علمی، نیمه علمی و علمی تقسیم کرده‌اند. (نوربها، ۱۳۸۰: ۵۷). عده‌ای بر این باورند که جرم‌شناسی در قرن ۱۹ میلادی و توسط لمبروزو تبدیل به یک علم مجزا شده است و نظریات پیش از وی در واقع فرضیاتی غیر علمی و بدون تحقیق بوده است. (همان) بدین سان در حقیقت جرم‌شناسی با ظهور و پیدایش انقلاب تحقیقی حقوق کیفری به سرکردگی لمبروزو، رافائل گاروفالو و انریکو فری در نیمه دوم قرن نوزدهم متولد گردیده است. به همین خاطر لمبروزو را پدر علم جرم‌شناسی نامیده‌اند. کمتر از یک سده پس از تولد جرم‌شناسی، عده‌ای از جرم‌شناسان که در مقام حل معمای بزه‌کاری و علت‌شناسی بودند، مطالعات خود را بر کنشگر دیگر جرم، یعنی بزه‌دیده که در فرایند عدالت کیفری فراموش شده بود، متمرکز کردند، تا سهم، نقش، جایگاه، منش و شخصیت وی در تکوین جرم مشخص سازند. به‌عبارت دیگر با پیدایش مکاتب مختلف دفاع اجتماعی که نگرشی دقیق‌تر و وسیع‌تر به پدیده‌ی مجرمانه داشته‌اند، سیاست جنایی فعال‌تر شد و بر دامنه بررسی‌ها و کندوکاوهای خود افزود و ابعاد مختلف واقعه‌ی مجرمانه را مورد مطالعه قرار داد. در نتیجه‌ی این تحول بود که نه تنها جرم و مجرم، بلکه زیان‌دیده از جرم نیز مورد توجه خاص قرار گرفت و این امر خود منتهی به ایجاد علم نوینی به‌نام «بزه‌دیده‌شناسی» شد. به‌عبارت دیگر وقتی رفتار مجرمانه را فرآیند یک سلسله عوامل فردی و اجتماعی معرفی می‌کنیم، باید نقش بزه‌دیده را نیز به‌عنوان عامل خارجی (انسانی) در ایجاد وضعیت مجرمانه، مورد بررسی قرار دهیم. این‌که آیا شغل، رفتار مقطعی یا گفتار تحریک‌آمیز او در

ایجاد این وضعیت نقشی داشته است یا خیر؟ (دلما س مارتی، ۱۳۷۶، ص ۱۱) (۱) نگاهی به ارتباط میان جرم‌شناسی و حقوق کیفری در سی سال اخیر نشان می‌دهد علاقه روزافزونی نسبت به بهره‌گیری از نتایج تحقیقات جرم‌شناسی در توسعه‌ی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در بخش‌های مختلف نظام عدالت کیفری به وجود آمده است، و اصلاحات کیفری به‌طور جدی به‌دنبال به‌کارگیری افکار و ایده‌های مترقی کارشناسان و به‌ویژه متخصصان جرم‌شناسی است. اغلب حقوق‌دانان کیفری معاصر معتقدند که حقوق کیفری نمی‌تواند نسبت به نتایج و یافته‌های جرم‌شناسی بیگانه باشند. (فرجیها، ۱۳۸۲: ۹۲).

به این‌سان جرم‌شناسی، با تشریح علل بزه‌کاری و تکوین مراحل اجرایی، قانون‌گذار را در بهبود و اصلاح قوانین کیفری هدایت می‌کند. اندیشمندان حقوق کیفری به‌طور کلی نفوذ این آموزه‌ها را در حقوق کیفری مشروع می‌شناسند به‌ویژه آن‌که این آموزه‌ها بر داده‌های تجربی متکی بوده و نسبتاً ثابت شده باشند. از جمله نفوذ آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی ایران می‌توان از فردی کردن کیفرها، کیفرزدایی، حبس‌زدایی، روش‌های جدید درمان مجرمان و بزه‌کاران و توجه به نقش بزه‌دیده در وقوع جرم نام برد. آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی در سیاست جنایی ایران در قوانین قبل و بعد از انقلاب اسلامی به صورت نسبی انعکاس یافته است. در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ قاضی می‌توانست با توجه به اوضاع و احوال قضیه، در مجازات بزه‌کار تخفیف دهد. برای اولین بار در قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ تحریک از طرف بزه‌دیده توجه قانون‌گذار را به خود جلب کرد و سرانجام توجه به نقش و سهم بزه‌دیده در وقوع جرم و تقویت حمایت از بزه‌دیده در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از جلوه‌های بازتاب آموزه‌های جرم‌شناسی (بزه‌دیده‌شناسی) است که مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است.

بدین‌سان در نظام کیفری نوین ایران نیز به تبع تلاش‌های بین‌المللی و متولیان دستگاه سیاست جنایی کیفری شاهد تحولات شکلی و ماهوی شگرفی در رابطه با بزه‌دیدگان هستیم، زیرا از آغاز دهه‌ی هفتاد خورشیدی با طرح بحث‌های جرم‌شناسی، مفهوم بزه‌دیده در جرم‌شناسی و مباحث علوم جنایی مورد توجه

بیشتر قرار گرفت. «بر این اساس قانون‌گذار ایران برای اولین بار در ماده‌ی ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۴/۳۴ لفظ بزه‌دیده را به‌جای مجنی‌علیه به‌کار برده است» (رستاک، ۱۳۹۱: ۱۱). اگرچه قانون‌گذار در قوانین سابق (ق.م.ع. ۱۳۵۲ و قانون م. ۱۳۷۰) ناآگاهانه یا نیمه‌آگاهانه مطالعات بزه‌دیده‌شناسی را به‌کار گرفته است، اما در ق.م.ا ۱۳۹۲ با آگاهی بیشتر به مبانی بزه‌دیده‌شناسی علمی توجه کرده است، به‌طوری که قانون‌گذار برای نخستین بار در بند «پ» ماده‌ی ۳۸ از واژه‌ی «بزه‌دیده» به‌جای «مجنی‌علیه» استفاده کرده است بدین‌ترتیب در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ از یک سو به جنبه‌های جرم‌شناختی نقش بزه‌دیده در فرآیند ارتکاب جرم و تقصیری که در وقوع آن دارد اشاره شده (بزه‌دیده‌شناسی علمی) بند ۳ ماده‌ی ۳۸ و از طرف دیگر بر لزوم توجه و حمایت بیشتر او در ابعاد مالی، حقوقی و حیثیتی توجه شده است (بزه‌دیده‌شناسی حمایتی). هدف از این تحقیق جلب توجه متولیان سیاست جنایی تقنینی و قضایی به مسأله‌ی بزه‌دیدگی و حمایت از آنان در راستای کاهش پدیده بزه‌دیدگی مکرر و کاهش در قانون مجازات اسلامی جهت پیش‌بینی‌های قانونی موجود در زمینه‌ی سهم بزه‌دیده و بیان کردن جلوه‌های حمایت از بزه‌دیده است.

بدین‌ترتیب از آن‌جا که خواستگاه توجه به نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم، موضوع مطالعه‌ی رشته‌ی نوینی از جرم‌شناسی به‌نام بزه‌دیده‌شناسی است، این مبحث بررسی بیشتر می‌طلبد. بررسی آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی و بیان کردن جلوه‌های داده‌های بزه‌دیده‌شناسی در قانون مجازات اسلامی (بخش کلیات مواد ۱-۲۱۶) ضرورت انجام این پژوهش را می‌رساند. در این مقاله به این سوال که جلوه‌های بازتاب آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی در بخش کلیات ق.م.ا کدامند پاسخ داده می‌شود.

این نوشتار نخست از مبانی نظری (مفهوم، ماهیت و تاریخچه‌ی بزه‌دیده‌شناسی و بازتاب بزه‌دیده‌شناسی علمی در حقوق کیفری ایران) بحث می‌کند. سپس به جلوه‌های بازتاب باورهای جرم‌شناختی (الف) توجه به نقش بزه‌دیده در وقوع جرم و (ب) جلوه‌های حمایت از بزه‌دیده می‌پردازد.

الف: مبانی نظری

۱. تاریخچه، مفهوم و ماهیت بزه‌دیده‌شناسی

در سال ۱۹۴۸ میلادی (سه سال بعد از جنگ دوم جهانی) آقای «هانس فون هانتینگ (۲)» روانپزشک آمریکایی آلمانی تبار، کتاب خود را با عنوان «بزه‌کار و قربانی او (۳)» در دانشگاه ییل آمریکا به چاپ رساند و فصل آخر آن را به قربانی جرم اختصاص داد. این کتاب منشور شاخه‌ی جدید بزه‌دیده‌شناسی محسوب می‌گردد و آن را مبدا پیدایش بزه‌دیده‌شناسی علمی تلقی کرده‌اند. بسیاری از جرم‌شناسان دیگر از جمله عزت فتاح نیز، فون هانتینگ را بنیان‌گذار بزه‌دیده‌شناسی می‌نامند و کتاب وی را منشور بزه‌دیده‌شناسی علمی به حساب می‌آورند. از این‌رو بزه‌دیده‌شناسی تقریباً هفتاد سال پس از پیدایش جرم‌شناسی علمی (۴) متولد شد. علاوه بر هانتینگ جرم‌شناسان دیگری نیز به مطالعه و شناخت بزه‌دیده پرداختند. از جمله ژان پیناتل (۵) در ۱۹۶۳ کتابی تحت عنوان «جرم‌شناسی» نوشت. کتاب دیگر اثر آقای هرمان مانهایم (۶) تحت عنوان «جرم‌شناسی تطبیقی» است. همچنین در سال ۱۹۸۵ در شهر جنوای ایتالیا، کتابی پیرامون شخصیت بزه‌دیده به طور کلی و بزه‌دیده به عنوان یکی از انواع بزه‌کاری نوشته شد. جرم‌شناس آلمانی دیگری نیز در سال ۱۹۴۹ اعتقاد خود را به وجود استعدادهای مجنی‌علیه‌زا (بزه‌دیده ساز) اعلام کرد: در خیلی از جرایم بزه‌دیده یک عامل بسیار مهم در وضعیت ما قبل بزه‌کاری است. خصوصیات، شیوه‌ی زندگی، سرشت و اعمال وی و رابطه‌اش با بزه‌کار، چیزی شبیه استعداد و آمادگی قبلی برای قربانی یک جرم واقع شدن می‌باشد. بنابراین وجود استعداد و آمادگی یک بخش تعیین کننده وضعیت مجرمانه است (نجفی‌ابرناد آبادی، ۷۴-۱۳۷۳، ص ۲۶۰).

«بزه‌دیده شخصی است حقیقی یا حقوقی که در پی وقوع فعل یا ترک فعل مجرمانه، متحمل ضرر مادی، جسمی، روانی و یا معنوی شده، یا در معرض خطر واقع شده و یا به یکی از حقوق اساسی به رسمیت شناخته شده قانونی او لطمه وارد شده است». (حاجی‌ده آبادی، ۱۳۸۵، ص ۳۴) این جرم‌شناسی نظرش را از مجرم و

واکنش اجتماعی برداشته و معطوف به قربانی کرده است. براساس این نظر بایستی برای تبیین جرم و بزه‌کاری، رفتار مجنی علیه را قبل و در زمان ارتکاب بزه بررسی کرده و به واقعیت قربانی در حال و آینده نظر داشته و حتی زمینه گفتگو میان مجرم و قربانی را قبل از رسیدگی در دادگاه فراهم کرد یا شاید با یکدیگر مصالحه نمایند. لازم است که قربانی به نحو فعال در محاکمات شرکت داشته باشد و در نهایت این که بهر کیفیت از قربانی باید دستگیری شده و خسارت وارده به وی جبران گردد. بدین ترتیب مشاهده می‌شود که جرم‌شناسی جدید به براندازی قانون جزای کلاسیک معتقد بوده و به نقش مردم و نظر مثبت آن‌ها در موقعیت سیاست جنایی اهمیت قایل است (نجفی ابرندآبادی ۱۳۷۰-۷۱: ص ۱۱۲). بزه‌دیده‌شناسی شاخه‌ای از جرم‌شناسی جدید است با هدف تبیین و تحلیل نقش مهم بزه‌دیده در تکوین جرم و رابطه‌اش با بزه‌کار یا به عرصه علوم جنایی گذاشته است. بر اساس یافته‌های این نوع بزه‌دیده‌شناسی که در ارتباط با تبیین علمی پدیده‌ی مجرمانه است دیگر به قربانی مستقیم جرم به‌عنوان انسانی کاملاً بی‌گناه و بی‌تقصیر نگریسته نمی‌شود بلکه به‌عنوان فردی در نظر گرفته می‌شود که می‌توان با اعمال و رفتار خود سبب جنایت علیه خود را توسط دیگری (بزه‌کار) فراهم آورد (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۳۴). در کنار این نوع بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده‌شناسی نوع دوم (ثانوی) یا حمایتی پا به عرصه‌ی وجود گذاشت است به‌طور کلی هدف این نوع بزه‌دیده‌شناسی، پیشگیری از بزه‌دیدگی از طریق حمایت‌های مالی عاطفی، حیثیتی، پزشکی و اجتماعی از بزه‌دیدگان و تامین حقوق، خواسته‌ها و نیازهای آنان توسط جامعه و به‌خصوص نظام عدالت کیفری است (لپز، ژرار و فیلیزولا، ژینا، ۱۳۸۸: ۵۴). توجه به بزه‌دیده و امکان جبران خسارت وارده به وی از طریق ترمیم آثار بزه در فرایند کیفری یکی از محورهای سیاست جنایی است. بدین ترتیب در فلسفه‌ی جدید عدالت کیفری هدف اولیه‌ی حقوق جزا التیام بخشیدن به صدمه وارده، ترمیم زیان، جبران زیان و پیشگیری از جرم در آینده است (فتاح، ۱۳۷۱: ۳۹۶).

۲. انعکاس اندیشه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی در حقوق کیفری عمومی ایران

بزه‌دیده به عنوان یکی از عناصر اصلی فعل مجرمانه می‌باشد که در طول تاریخ جایگاه متفاوتی داشته است. و تا ظهور جرم‌شناسی مثلث سنتی جنایت عبارت بود از جرم، مجرم و مجازات. مطالعات جرم‌شناسان معطوف به بزه‌کار بود و وی را عامل اصلی وقوع جرم می‌دانستند و او را لایق شدیدترین مجازات‌ها می‌دانستند. اما با ظهور علم جرم‌شناسی این مثلث تغییر شکل هندسی داد و ضلع چهارمی بدان اضافه گردید که عبارت بود از بزه‌دیده. این رهیافت جدید منجر به گشودن دریچه‌های جدیدی در جرم‌شناسی و تولد رشته‌ای بنام بزه‌دیده‌شناسی گردیده است. با رشد مطالعات علمی در جهت شناسایی علل جرم به این نتیجه رسیدند که بزه‌دیده این مهره فراموش شده، هم باید در نظر گرفته شود. می‌توان گفت در بررسی نقش بزه‌دیده در تکوین جرم نباید تمام توجه خود را به مجرم و علل مجرم شدن وی صرف کنیم بلکه بایستی به بزه‌دیده و علل بزه‌دیدگی او هم توجه کافی داشته باشیم. بدین‌سان در فرآیند جنایی (حرکت از اندیشه به سوی ارتکاب جرم) بزه‌دیده به عنوان عامل پیش‌جنایی می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند. مطالعه قربانی جرم و روابط او با مجرم و تاثیر عملکرد و کنش و واکنش او در تحقق جرم از اولویت‌هایی است که افق‌های تازه‌ایی را در جرم‌شناسی گشوده است. از این‌رو، بزه‌دیده‌گی نیز می‌تواند معلول عوامل مختلفی چون فیزیکی، موقعیت سازمانی، بیماری، عدم تعادل روحی و... باشد. هر چند در حقوق کیفری شاید نتوان فرض را بر مجرمیت و تقصیر بزه‌دیده دانست با توجه به این‌که در بعضی موارد بزه‌دیده عاملی موثر در ارتکاب جرم است، با لحاظ کردن نقش «شتاب‌دهنده‌ی» او در وضعیت پیش‌جنایی، قاضی می‌تواند مجازات بزه‌کار را در جرایم تعزیری تخفیف دهد.

در بزه‌دیده‌شناسی علمی این بحث مطرح است که تاثیر گفتار و رفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده، توانایی به فعل رساندن اندیشه مجرمانه را دارد، حتی هانتینگ معتقد است که با نگاه دقیق‌تر، می‌توان بزه‌دیده را عاملی تحریک‌کننده‌ی شناخت که بدون تحریک وی جرم اتفاق نمی‌افتد، با وجود این، ممکن است موردی را که

مطالعات بزه‌دیده‌شناسی علمی «تحریک» می‌داند، از دیدگاه حقوقی، عنوان تحریک نداشته باشد تا بر اساس آن از امکان تخفیف مجازات بزه‌کار بتوان سخن گفت، چنانچه بزه‌دیده‌شناسی علمی ممکن است اعمال و رفتار ناآگاهانه بزه‌دیده غفلت، ویژگی‌های زیستی و اجتماعی او را موجب تحریک بزه‌کار بداند اما دادگاه‌ها به این موارد توجه نکنند، و صرفاً در پی مجازات بزه‌کار باشند. اما قلمرو بزه‌دیده‌شناسی علمی یا قربانی‌شناسی کیفری را حقوق کیفری تعیین می‌کند. بنابراین افزون بر تکلیف قاضی برای احراز مسوولیت کیفری بزه‌کار برای تحمیل مجازات بر او، تقصیر بزه‌دیده می‌تواند عاملی مخففه محسوب شود؛ البته قاضی تکلیف ندارد تا برای تخفیف مجازات، آن را اعمال کند. به نظر می‌رسد در قوانین کیفری ایران تحریک در چارچوب نظری مشخصی قرار نگرفته است و قوانین در مواردی به صورت پراکنده به آن اشاره کردند؛ برای نمونه در جرایم مستوجب حد قصاص و دیه به این موضوع توجه نشده است. اما با توجه به استثنائات موجود در این زمینه مانند قتل در فراش (۷) و قذف غیرارتجالی (۸) توجه شده است (جعفری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۶).

با توجه به مبانی بزه‌دیده‌شناسی علمی آیا بزه‌دیده‌شناسی علمی در حقوق ایران انعکاس دارد؟ آیا در قوانین ایران می‌توان مواردی را یافت که مقنن به دلیل کوتاهی، تقصیر و تحریک بزه‌دیده میزان مجازات مجرم را تخفیف دهد و به این طریق حمایت کیفری کم‌تری از او به عمل آورد، بند «پ» ماده‌ی ۳۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲ به تقصیر بزه‌دیده و نقش و سهم وی در ارتکاب جرم که از مبانی بزه‌دیده‌شناسی علمی است اشاره دارد قاضی می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال ناظر بر وقوع جرم از سوی بزه‌دیده مجازات بزه‌کار را تخفیف دهد و این تخفیف در مجازات مرتکب به‌طور غیرمستقیم به منزله‌ی حمایت کیفری کم‌تر از بزه‌دیدگان قصور کننده است. ماده‌ی ۳۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲ تقریباً به بازنویسی ماده‌ی ۲۲ ق.م.ا. ۱۳۷۰ پرداخته است با مقایسه‌ی ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ق.م.ا. ۱۳۹۲ می‌توان گفت که اگر چه قانون‌گذار در سال ۱۳۷۰ از قانون مجازات ۱۳۵۲ الهام گرفته و ناآگاهانه یا نیمه‌آگاهانه مطالعات بزه‌دیده‌شناسی علمی را به‌کار برده است اما در

ق.م.ا ۱۳۹۲ با آگاهی بیش‌تر به مبانی بزه‌دیده‌شناسی علمی با به‌کار بردن واژه‌ی «بزه‌دیده» برای اولین بار در حقوق کیفری عمومی ایران به آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی (علمی) توجه شده است.

به‌نظر می‌رسد مقنن با توجه به یافته‌ها و نظریات بزه‌دیده‌شناسی علمی می‌تواند شبیه بند «پ» ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را به‌صورت تفصیلی بیان کند، نه به‌صورت کلی، مقنن باید حالات مختلف را به تفصیل تعریف و در اختیار قاضی قرار دهد تا قاضی با عنایت به آن‌ها بتواند میزان مسوولیت هر یک را مشخص کرده و با توجه به میزان مسوولیت آن‌ها، مجازات عادلانه تعیین کند و میزان خساراتی که بزه‌دیده متحمل شده است نیز مشخص شود. در این‌جا به‌عنوان انتقاد بزه‌دیده‌شناختی می‌توان گفت که بند ۳ ماده‌ی ۳۸ ق.م.ا. باید با توجه به مطالعات و پژوهش‌های میدانی و بالینی صریح‌تر و با تفصیل انشاء شود.

ب: جلوه‌های نفوذ آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی در حقوق کیفری عمومی

۱. توجه به نقش بزه‌دیده در وقوع جرم

بزه‌دیده یکی از ارکان اصلی جریان کیفری و پدیده‌ی مجرمانه می‌باشد و واقعیتی است شایسته توجه که در نظام‌های عدالت کیفری کم‌تر به او بها داده شده است. شاید این کم‌توجهی به دلیل تاخیر ورود بحث‌های بزه‌دیده‌شناسانه به حوزه نوشتگان علوم جنایی باشد، زیرا تاثیر آموزه‌های علمی را در سیاست‌گذاری‌های عدالت کیفری هرگز نمی‌توان نادیده انگاشت. از این‌رو امروزه سیاست جنایی تقنینی ایران در این زمینه از دو ابزار پیشگیرانه و حمایتی استفاده می‌نماید.

در حقوق کیفری عمومی ایران اوضاع و احوال موثر در ارتکاب جرایم تعزیری و بازدارنده از جمله گفتار یا کردار تحریک‌آمیز بزه‌دیده وفق ماده‌ی ۳۸ ق.م.ا. مجازات اسلامی موجب تخفیف مجازات مجرم می‌شود. حال اگر رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده مصداق یکی از جرایم مصرح در قانون توأم با رکن روانی باشد در این‌صورت، علاوه بر مسوولیت کیفری بزه‌کار، بزه‌دیده نیز دارای مسوولیت کیفری بوده و لازم است به وضعیت عمل جزایی متهم و بزه‌دیده توأمان

رسیدگی شود. رسیدگی به جرم متهم مانع از رسیدگی به تقصیر بزه‌دیده نیست و قواعد آیین دادرسی بر رسیدگی بر آن دو حاکمیت دارد. لذا علاوه بر تخفیف مجازات متهم در صورت اثبات جرم، بزه‌دیده نیز مجازات می‌شود. ارایه‌ی یک معیار برای بروز تحریک از فرد متعارف، دادگاه را در تشخیص تحریک‌پذیری واقعی و انواع تحریک موثر کمک می‌کند. قانون‌گذار لازم است که برای قاضی معیاری از این دست در قوانین معین نماید تا بتواند راهنمای قاضی در اتخاذ تصمیم قضایی باشد و از تشتت آرا قضات در رسیدگی قضایی جلوگیری کند. اوضاع و احوال موثر در ارتکاب جرم از جمله تحریک متهم ماده ۳۸ ق.م.ا به‌طور کلی مطرح شده‌اند و فقط دو مورد از مصادیق آن‌ها (رفتار و گفتار تحریک‌آمیز و انگیزه‌ی شرافتمندانه متهم) بیان شده است. از حیث زمان، بروز اوضاع و احوال موثر در ارتکاب جرم دو مصداق مذکور در بند ۳ بر خلاف برخی جهات مخففه مقدم بر وقوع جرم می‌باشد. بدین معنی که این بند ناظر به قبل از وقوع جرم است و تحقق برخی دیگر جهات مخففه از قبیل گذشت بزه‌دیده ناظر به بعد از وقوع جرم می‌باشند. اثر این ویژگی در سوق دادن مرتکب به سوی ارتکاب جرم و یا عدم آن، نقش قابل توجهی دارد.

بدین‌سان توجه آگاهانه به یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی در تخفیف یا تبدیل مجازات بند «پ» ماده‌ی ۳۸ ق.م.ا (۹) که مفاد بند ۳ ماده‌ی ۲۲ ق.م.ا. ۱۳۷۰ را بازنویسی می‌کند، در زمینه‌ی تحریک بزه‌کار از سوی بزه‌دیده، از سه جهت قابل ارزیابیست: نخست، از نظرگاه حقوق کیفری، رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یکی کیفیات تخفیف دهنده‌ی مجازات شناخته شده است. دوم، از دیدگاه جرم‌شناسی، تحریک بزه‌کار از سوی بزه‌دیده یکی از شرایط یا اوضاع احوالیست که پیش از رخداد جرم، فرآیند گذار قصد به‌عمل مجرمانه را شتاب می‌بخشد (شرایط و اوضاع و احوال پیش - جنایی). و سوم، از منظر بزه‌دیده‌شناسی، تحریک بزه‌کار از سوی بزه‌دیده، از یک سو، نمایان‌گر نقش‌یست که بزه‌دیده می‌تواند در رخداد جرم داشته باشد و از سوی دیگر، یادآور نظریه‌ایست به نام شتاب‌دهندگی بزه‌دیده (یا نقش شتاب‌دهنده یا اثرگذار بزه‌دیده).

بنابراین اگر نویسندگان ق.م.ا. ۱۳۷۰ با اقتباس از قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ به‌طور ناآگاهانه یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی را در بستر مقررات کیفری پذیرفته بودند، نویسندگان ق.م.ا. ۱۳۹۲ با به‌کار بردن واژه‌ی «بزه‌دیده» به جای «مجنی علیه» به‌طور آگاهانه بر تعامل یافته‌های جرم‌شناختی (بزه‌دیده‌شناسی) و آموزه‌های حقوق کیفری صحنه گذاشته‌اند. پذیرفتن این واقعیت از این تحول در حقوق کیفری معاصر حکایت می‌کند، که افزون بر ضرورت احراز مسوولیت کیفری بزه‌کار برای تحمل مجازات بر او، سرزنش‌پذیری یا تقصیر بزه‌دیده می‌تواند در کاهش پیامدهای مسوولیت بزه‌کار نقش داشته باشد. به سخن دیگر، عدالت جنایی ممکن است در برخی موارد به جای حمایت از بزه‌دیده یا پیش از آن، به حمایت از مرتکبی برخیزد که اگر بزه‌دیده او را تحریک نمی‌کرد، چه بسا که جرمی مرتکب نمی‌شد. این سیاست از یک سو می‌تواند به پیشگیری از جرم و بزه‌دیدگی، به منزله‌ی غایت راهبردی نظام عدالت جنایی کمک کند. زیرا بزه‌دیده در می‌یابد که چنانچه بزه‌دیدگی پیامد تحریک بزه‌کار از سوی او باشد، از حمایت کیفری کامل بی‌بهره خواهد ماند و از این‌رو، بیش‌تر احتیاط خواهد کرد تا بزه‌دیده نشود. از سوی دیگر، این سیاست می‌تواند در هم ترازوی حقوق بزه‌دیده و بزه‌کار، به منزله‌ی هدف راهبردی نظام عدالت جنایی، نیز موثر باشد. زیرا اگر چه اعمال تخفیف مجازات از اختیارات دادرس در راستای سیاست فردی کردن قضایی مجازات‌هاست، ولی بی‌طرفی دادرس در بستر عدالت جنایی ایجاب می‌کند تا در صورت احراز تحریک، از اختیار خود در جهت تخفیف مجازات استفاده کند. (رایجیان اصلی، همان: ۱۹۹)

در نتیجه علی‌رغم جنبه‌ی مثبت و مفید و توجه به نقش بزه‌دیده در وقوع جرم در بند ۳ ماده‌ی ۳۸ به‌نظر می‌رسد به‌صورت مطلق و کلی بیان گردیده است، و برای تطبیق آن در عمل مشکلات و ابهامات حقوقی و تخصصی در تعیین میزان عادلانه مجازات بزه‌کاران واجد حداقل تقصیر با بزه‌کاران مقصر مواجه می‌سازد. قلمرو شمول این جهت، افراد بزه‌کار تحریک شده‌ی واجد حداقل تقصیر هستند. بزه‌دیده این بزه‌کاران، خود اوضاع و احوال خاص موثر را ایجاد کرده و با قرار

گرفتن آنان در این اوضاع و احوال خاص، مرتکب جرم شده‌اند و اصالتاً، بنیان‌گذار جرم، بزه‌دیده این جرایم هستند. تعیین مجازات به‌طور یکنواخت برای بزه‌کاران بدون احراز میزان تقصیر بزه‌کار و بزه‌دیده در ارتکاب جرم برخلاف قاعده تناسب جرم و مجازات و اصل فردی کردن مجازات‌ها است. در بند (۳) مذکور، دو مورد از مصادیق اوضاع و احوال موثر در ارتکاب جرم عنوان شده است: ۱- رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده ۲- وجود انگیزه‌ی شرافتمندانه. مصادیق این اوضاع و احوال موثر در ارتکاب جرم به گستردگی رفتارهای نابهنجار افراد انسانی است که لازم است این رفتارها احصا و برای قاضی تبیین شوند. برای تبیین این مصادیق مقررات تقنینی لازم است و ارجاع به کارشناس و استفاده از نظر متخصص، مد نظر قرار گرفته و تشکیل پرونده شخصیت بزه‌کار، زیر نظر کارشناس، قاضی را با حلقه‌های نهان و پیدای شخصیت بزه‌کار آشنا می‌کند و جهت بهره‌برداری قضایی صحیح و کارآمد، در دستور کار قرار گیرد.

علم و آگاهی بزه‌دیده به وهن‌آور بودن رفتار و گفتار که به حیثیت و شرافت طرف لطمه وارد ساخته می‌تواند در اثبات تقصیر وی کمک کند اما در این ماده برای تقصیر بزه‌دیده پاسخ مناسبی پیش‌بینی نشده است. در صورتی که تقصیر مبنای مسوولیت کیفری است و شخص مسوول باید پاسخگو باشد. ارتکاب جرم اگر با انگیزه‌ی شرافتمندانه یا خیرخواهانه باشد، عامل آن می‌تواند از تخفیف مجازات بهره‌بردار. اما اگر انگیزه‌ی شرافتمندانه در پاسخ به حیثیت و شرف از دست رفته ناموس شخص باشد، انگیزه‌ی دیگر کارایی تخفیف خود را از دست می‌دهد و باید تقصیر بزه‌دیده را جویا شویم. «تقصیر در حقوق کیفری در دو معنای متفاوت به‌کار برده می‌شود: نخست، به معنای خاص شامل بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و... دوم، به معنای عام شامل رابطه‌ی خاص روانی و ذهنی که بین فاعل و جرم برقرار می‌شود. از این رابطه‌ی خاص به «رکن روانی» یاد می‌شود» (جنت‌مکان، ۱۳۹۱، ص ۳۰۷)

«ورود عنصر تقصیر به حوزه مسوولیت کیفری، خاص جرم‌های عمدی بود. اما رفته رفته تقصیر اشکال و قالب‌های جدیدی چون خطای جزایی پذیرفت. برخی از

حقوق‌دانان از رکن روانی به تقصیر یاد می‌کند» (جنت‌مکان، ۱۳۹۱). «مصادیق اوضاع و احوال موثر در ارتکاب جرم، منحصر در رفتار و گفتار تحریک‌آمیز نیستند، بلکه مصادیق دیگری را نیز شامل می‌شود. تقصیر مبنای مسوولیت کیفری است. لذا اگر بزه‌کار در ارتکاب جرم تحت تاثیر موثر بزه‌دیده، مرتکب جرم بشود و تقصیر بزه‌دیده در دادگاه احراز شود، تقصیر وی باید مبنای مسوولیت کیفری و مجازات بزه‌دیده باشد و موجبی برای تخفیف مجازات بزه‌کار گردد. اوضاع و احوال خاص موثر در ارتکاب جرم باید توسط قانون‌گذار تبیین و تعیین شوند. عنوان کردن آن‌ها در یک عبارت کلی و مطلق منجر به تشتت در آرا و منحرف شدن از اهداف سیاست کیفری و تقنینی مورد نظر قانون‌گذار است. مخیر بودن قاضی در اعمال تخفیف، با اهداف نهاد تخفیف «جلوگیری از تکرار جرم، حمایت از بزه‌کاران فاقد سابقه کیفری، استقرار اصل فردی کردن مجازات‌ها، کم‌تر کردن آثار زیان‌بار جرم»، در تعارض است. اظهارنظر کارشناس در موارد مربوط به اوضاع و احوال روانی بزه‌کار و تشکیل پرونده شخصیت برای وی و بزه‌دیده در دادگاه، در تعیین کیفر عادلانه بزه‌کاران دارای کم‌ترین تقصیر، مثمرتر است و قلمروی بند ۳ ماده ۳۷ را باید، بزه‌کاران با کم‌ترین تقصیر یا بزه‌کاران غیرمقصر در برگیرد.»

۲- حمایت از بزه‌دیده

رویکرد حمایت از حقوق بزه‌دیده از دیدگاه شکلی به‌طور کلی دو هدف را دنبال می‌کند نخست مراقبت از کرامت افراد و حقوق انسانی آن‌ها و سپس تقویت و تحکیم جایگاه بزه‌دیده به‌عنوان کنشگر فعال در فرآیند کیفری، پیچیدگی بزه‌دیدگی و هم‌چنین تدابیر اندیشیده شده برای پیشگیری و کنترل بزه‌دیدگی اهمیت حمایت موثر از حقوق مناسب بزه‌دیده را موجب می‌شود. این حقوق متعدد است حمایت از بزه‌دیده در خارج از کشور، حمایت از بزه‌دیده در تعلیق اجرای مجازات، تحقق دادگری ترمیمی و کیفرزدایی در راستای حمایت از بزه‌دیده و توجه به جایگاه و نقش بزه‌دیده و حمایت از بزه‌دیده در جرایم قابل گذشت، عفو

و دفاع مشروع در بخش کلیات قانون مجازات نام برد که به مناسبت بحث‌های بعدی به این موارد پرداخته می‌شود.

۲-۱. حمایت از بزه‌دیده ایرانی در خارج از کشور

بر خلاف قانون ۱۳۷۰ که تنها اصل صلاحیت شخصی بزه‌کار مدار را پذیرفته بود به این معنی که اگر یک ایرانی در خارج از ایران مرتکب جرم شود و در ایران یافت شود طبق قانون ایران مجازات می‌شود. اصل صلاحیت شخصی یکی از اقسام سه‌گانه اصول صلاحیت فراسرزمینی است، براساس این اصل هرگاه فردی در خارج از قلمرو کشور متبوع خود، مرتکب جرم گردد، دولت متبوع حق خواهد داشت که وی را مورد تعقیب قرار دهد (فرجیها، ۱۳۹۱: ۱۰). به این صورت که شخص مرتکب تبعه یک کشور غیر از کشور محل وقوع جرم است. این اصل مبتنی بر تابعیت شخص است یعنی اتباع هر کشور در هر جای دنیا که مرتکب جرمی شوند توسط دولت متبوع خود قابل تعقیب و مجازات هستند. مبنای این اصل با قاعده عدم الزام دولت‌ها به استرداد اتباع خود نیز ارتباط تام دارد تا مانع از بی‌کیفری شود. اصل بزه‌کار مدار آن وقتی است که یک تبعه تابع کشور در خارج از مرزهای کشور مرتکب جرمی شود که این اصل در نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران تاثیر خود را به صورت منظم در ماده قانون مجازات اسلامی در ماده ۷ قانون ۱۳۷۰ گذاشته است.

اما ماده‌ی ۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲ اصل صلاحیت شخصی بزه‌دیده مدار را نیز پذیرفته است. «فلسفه‌ی صلاحیت شخصی در حقوق جنایی بین‌الملل این است که حفظ نظم همگانی ملی، از جنبه‌ی بیرونی به مراتب از جنبه‌ی درون سرزمینی دشوارتر است. زیرا حاکمیت دولت بیگانه اجازه نمی‌دهد که دولت زیان‌دیده قوانین جزایی خود را بر مرتکب یا به سود بزه‌دیده‌ای که تبعه‌ی اوست اعمال کند، ولی با گذشت زمان دولت‌ها به تجربه پذیرفتند که قوانین جزایی خود را بر جرم‌های که اتباع‌شان

در خارج از قلمرو سرزمینی آن‌ها مرتکب شدند و نیز بر جرم‌های علیه بزه‌دیدگان متبوع خود اعمال کنند» (حسینی نژاد، ۱۳۷۳: ۴۸).

بر اساس جنبه‌ی مثبت (فاعلی) اصل صلاحیت شخصی که مبتنی بر تابعیت افراد است چنانچه فرد ایرانی در خارج از کشور مرتکب جرمی شود توسط دادگاه‌های ایرانی قابل محاکمه و مجازات است. ماده‌ی ۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در این خصوص مقرر داشته است: «علاوه بر این موارد در مواد ۵ و ۶ هر ایرانی که در خارج از ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد. با وجود این، حکم موردی که تبعه ایرانی در خارج از سرزمین خود بزه‌دیده جرمی واقع شود در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ بیان نگاشته بود. این نقیصه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ رفع گشته است. ماده ۸ قانون ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جرایم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت یا به ایران بازگردانده شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم وی رسیدگی می‌شود، مشروط بر این که «متهم در جرایم موجود تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلا یا بعضاً درباره‌ی وی اجرا نشده باشد. رفتار ارتكابی در جرایم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع جرم باشد.

این ماده بیان‌گر جنبه منفی - مفعولی - اصل صلاحیت شخصی است که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ صرفاً جنبه فاعلی آن بیان گشته بود. جنبه‌ی مفعولی صلاحیت شخصی نشأت گرفته از مباحث مربوط به عدالت ترمیمی و تحولات مربوط به بزه‌دیده‌شناسی و حمایت از بزه‌دیده در چند دهه‌ی گذشته است. در قرن هجدهم با پیدایش حقوق جزای مدرن و توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها تمرکز اصلی روی جرم به‌عنوان عامل اختلال‌کننده‌ی نظم اجتماعی جامعه بود. از اواخر قرن نوزدهم توجه از جرم به مجرم سوق پیدا کرد و این‌گونه بیان شد که احیای نظم اجتماعی را نباید به هر قیمتی پذیرفت بلکه به مجرم باید

همچون یک انسان نگاه کرد. توجه به مباحث مسوولیت کیفری، عوامل رافع مسوولیت کیفری، بنیادهای ارفاق کننده نظیر آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات... و تنظیم مقررات راجع به آنها بیانگر عبور از نگاه سنتی راجع به پدیده جرم بود. در هر حال از اواخر قرن بیستم به بزه‌دیده توجه ویژه‌ای شد و این‌گونه بیان شد که نکته اصلی در جرم آثار مخربی است که بر بزه‌دیده وارد می‌شود و لذا جبران خسارت و التیام جسمی یا روحی بزه‌دیده بیش از پیش باید مورد توجه قرار گیرد. بحث حمایت از بزه‌دیده امروزه در بزه‌دیده‌شناسی فمینیستی مباحث مفصلی را در خود جای داده است که البته مجال بحث آن در مرقومه حاضر نیست. در هر حال همسو با تحولات بین‌المللی حمایت از بزه‌دیده ایرانی در مواردی که در خارج از کشور نسبت به مرتکب جرم غیرایرانی تعقیبی صورت نمی‌گیرد یا در صورت تعقیب و محکومیت، مجازات کلا یا بعضاً اجرا نمی‌شود اقدام مثبتی برای حمایت کیفری ایرانیان خارج از کشور است.

بنابراین از آن‌جا که صلاحیت شخصی بزه‌دیده مدار بر مبنای حمایت از بزه‌دیدگان استوار است آن را باید انعکاسی از بزه‌دیده‌شناسی دانست که به قوانین جزایی را افتاده است در نتیجه توجه آگاهانه و مدبرانه‌ی نویسندگان قانون مجازات به این تحول مهم در حقوق جنایی بین‌المللی در خور تحسین به نظر می‌رسد.

۲-۲. تحقق عدالت ترمیمی در راستای جبران حق بزه‌دیده

یکی از نوآوری‌های ق.م.ا. ۱۳۹۲ که در قانون م.ا. ۱۳۷۰ پیشنهاد شده است، پیش‌بینی روش‌های عدالت ترمیمی به‌ویژه در راستای احقاق حق بنیادی جبران برای بزه‌دیدگان است. این مقررات از توجه نویسندگان ق.م.ا. به ضرورت عدالت ترمیمی به کنار عدالت جنایی سزادهنده و آگاهی آنان از این واقعیت حکایت می‌کند که بهره‌گیری از روش‌های ترمیمی به کارایی بهتر عدالت جنایی در پیشگیری از جرم و مبارزه با بزه‌کاری کمک خواهد کرد. «فلسفه‌ی عدالت ترمیمی عبارت است از بازسازی بزه‌دیدگان، بازسازی بزه‌کاران و ترمیم نظم به‌هم خورده اجتماعی در نتیجه جرم ارتكابی (جان بریت وایت، ترجمه‌ی رایجیان اصلی، ۱۳۸۵:

۵۳۰). در کنار امتیازها و کاستی‌هایی که برای عدالت ترمیمی برشمرده‌اند» (همان، صص: ۵۳۸-۵۳۳). تردیدی نیست که بهره‌گیری متوازن، خردورزانه و سازمان‌یافته از آن در کنار عدالت جنایی کلاسیک، می‌تواند هم برای بزه‌دیده و بزه‌کار سودمند باشد و هم برای جامعه راهگشا است. بند «پ» ماده‌ی ۴۰ ق.م.ا اقدام‌های مرتکب پس از ارتکاب جرم، به‌ویژه تلاش‌های وی برای جبران خسارت یا اقدامات او جهت صلح و سازش با بزه‌دیده، را یکی از شرایط تعیین مجازات و اعمال دیگر ضمانت اجراهای کیفری دانسته است. (رایجیان، ۱۳۹۰: ۱۹۴)

توجه به روش‌های ترمیمی به‌منزله نمودی از عدالت توافقی و مسالمت‌مدار می‌تواند روحیه‌ی مذاکره و کدخدا منشی را میان مردم رواج داده و فرهنگ سازش و آشتی را به‌جای فرهنگ انتقام و کیفرگرایی در جامعه حاکم کند. نسل جدید جامعه ایران بیش از هر چیز نیازمند آشنا شدن با چنین فرهنگی و خوگرفتن با چنین روحیه‌ای است. هرچه جامعه صمیمی‌تر و صلح طلب‌تر باشد، پویاتر و کارآمدتر خواهد بود. «پس، چقدر خوب است که قانون‌گذار نیز در رواج دادن این فرهنگ نیز خود را سهمیم کند. در چنین جامعه‌ای بزه‌دیدگان با اعتماد به نظام عدالت جنایی و حتی بزه‌دیده‌سازان خود، امید بیش‌تری به جبران آثار بزه‌دیدگی‌شان پیدا خواهند کرد» (همان: ۱۹۵).

۲-۳. کیفرزدایی در پرتو نظام نیمه‌آزادی و تعویق مجازات در راستای حمایت از بزه‌دیده از جمله دستاوردهای علم جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، کیفرزدایی در قوانین و مقررات کیفری است. کیفرزدایی، روندی است که طی آن، قانون‌گذار میزان مجازات تعیینی برای عمل مجرمانه را تعدیل، و یا به‌طور کلی از بین می‌برد. بدین صورت که، عمل به‌عنوان جرم به قوت خود باقی و لکن شیوه‌ی برخورد با آن تغییر می‌نماید. به‌عبارت دیگر؛ به‌جای مجازات و واکنش کیفری، از جانشین‌های کیفری و یا سایر واکنش‌ها استفاده می‌شود و یا مجازات تعیینی مشمول تخفیف می‌گردد. (اکبری، ۱۳۹۲: ۴۳-۴۵)

در کشور ما نیز در کم‌تر از یک دهه‌ی اخیر این الگوی راهبردی کیفرزدایی به‌صورت آگاهانه‌تر در جهت کاهش بار نظام عدالت کیفری، در رویه‌ی قضایی، بخشنامه‌ها، قوانین برنامه‌ی سوم، چهارم و پنجم توسعه، سیاست‌های کلان قضاییه به مجلس شورای اسلامی به وضوح ابتدا در سیاست جنایی قضایی و در مرحله بعد در سیاست جنایی تقنینی مورد توجه و پذیرش واقع شده است. پیش‌بینی مواردی مانند جایگزین‌های حبس، تعویق صدور حکم و نظام نیمه‌آزادی مشروط در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ موید این نظر است.

بدین‌سان یکی از ویژگی‌های سیاست جنایی معاصر گرایش به محدود کردن گستره‌ی مجازات به‌منظور هم‌تراز ساختن راهبردهای مبارزه با بزه‌کاری است. «از دیدگاه سیاست جنایی، رفتارهایی که واکنش اجتماعی سازمان‌یافته‌ی کیفری را باید به‌دنبال داشته باشند، از پیش باید در قانون تعیین شده باشند» (جرم‌انگاری). (رایجیان اصلی، ۱۳۳۹۰: ۱۹۶) با این همه، رفتار مجرمانه ناگزیر اعمال ضمانت اجراهای کیفری را ایجاب می‌کند، بلکه سیاست جنایی برای کارایی بهتر در برابر پدیده‌ی مجرمانه باید خود را به واکنش‌ها و پاسخ‌های غیرکیفری نیز مجهز کند. این واکنش غیرکیفری ناگزیر به معنای سلب کردن ویژگی کیفری عمل ارتكابی نیست، بلکه جرح و تعدیل واکنش کیفری در قالب کاهش شدت یا حذف آن را هم در بر گیرد (کیفرزدایی) (آنسل، ۱۳۷۵: ۱۰۵). در کیفرزدایی منظور این نیست که خاصیت جرم بودن فعل سلب شود بلکه هدف موزون ساختن جرم و کیفر است بدین معنا که در اکثر موارد از شدت مجازات‌ها کاسته می‌شود و یا خاصیت کیفری مجازات از آن سلب می‌شود. (کلانتری، ۱۳۸۱: ۳۱۲)

کیفرزدایی ممکن است به شکل معافیت از کیفر، یا به منزله‌ی ضمانت اجراهای بینابین یا کیفرهای اجتماع محور از رهگذر روش‌هایی مانند تعویق مجازات یا نظام نیمه‌آزادی باشد (۱۰) (اکبری، ۱۳۹۲: ۴۴). نویسندگان ق.م.ا ۱۳۹۲ (۱۱) ضمن پیش‌بینی هر سه حالت، به جایگاه بزه‌دیده و در واقع به حقوق او، بی‌توجه نبوده‌اند، زیرا سیاست جنایی معاصر در کنار ضرورت‌های سزادهی به مجرم، پیشگیری از جرم، و بازپروری بزه‌کار، هرگز نمی‌تواند اهمیت جایگاه بزه‌دیدگان در

نظام عدالت جنایی و احقاق حقوق آنان را نادیده بگیرد. بدین‌سان حقوق کیفری به منزله‌ی قانون سیاست جنایی سنجیده و کارآمد، ممکن است در جرم‌های خرد یا کم‌شدت ضمن ارفاق به بزه‌کار به منظور بازپروری و بازپذیری اجتماعی وی، معافیت او از کیفر را منوط به جبران زیان وارد شده یا پذیرفتن مسوولیت جبران آن سازد. (۱۲) در این میان، پاسخ به جرم ممکن است از رهگذر تعویق مجازات مورد جرح و تعدیل واقع شده و به بزه‌کار فرصت داده شود تا زیان وارد شده را جبران کرده یا مسوولیت جبران آن را بپذیرد (۱۳) تعویق مجازات در این مورد، شرطی برای بهره‌مندی بزه‌کار از امتیاز معافیت کیفر است که در صورت موفقیت بار بودن دوران تعویق تحقق می‌یابد. (ماده‌ی ۴۰ ق.م.ا.) در هر دو مورد با فراهم شدن هم‌زمان امکان ترمیم نظم برهم‌خورده‌ی اجتماعی، بازسازی بزه‌کار، و جبران آثار بزه‌دیده، زمینه‌ی تحقق عدالت ترمیمی و توافقی در بستر نظام عدالت جنایی نیز فراهم می‌آید. سرانجام، روش‌های ترمیمی ممکن است در چهارچوب ضمانت اجرای بینابین، از رهگذر نظام نیمه‌آزادی، به حمایت از بزه‌دیده و احقاق حقوق او بینجامند. در این صورت بزه‌کار، ضمن محکومیت زندان و تحمل حبس، هم می‌تواند به یک فعالیت اجتماعی مثبت (حرفه‌ای، آموزشی...) در بیرون از زندان و نیز به اصلاح و بازپروری خود بپردازد، و هم می‌تواند در فرآیند جبران آثار بزه‌دیدگی و بازسازی بزه‌دیده سهم شود. بدین‌سان، نظام نیمه‌آزادی حس مسوولیت‌پذیری بزه‌کار را تقویت کرده و روحیه‌ی سازش و آشتی را میان افراد جامعه رواج می‌دهد (۱۴) (رایجیان، ۱۳۹۰: ۱۹۸)

۲-۴. گسترش حمایت از بزه‌دیده در تعلیق مراقبتی اجرای کیفر

تعلیق اجرای مجازات در روزگار ما یکی از ابزارهای قضایی و سیاست مدبرانه دستگاه قضایی در برخورد با مجرمان فاقد سابقه است. (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۸: ۴۷۱) امروزه مجرم را بیش‌تر یک بیمار اجتماعی می‌پندارند تا یک عنصر فاسد و ضداجتماعی و بر اساس این طرز تفکر است که آن اعتقادی که در قرون گذشته نسبت به اجرای عدالت نمودن در اعمال مجازات وجود داشت دیگر وجود ندارد و

مراقبت و به‌عنوان یک نهاد جانشین مجازات زندان و نحوه انتخاب‌گرینش مجرم در چارچوب قانون و نظام حاکم توسط دادگاه دانست (۱۷)

یکی از شرایطی که دادگاه می‌تواند رعایت آن را در دوره‌ی تعلیق برای محکوم الزامی کند، عدم برقراری ارتباط با بزه‌دیده است که به تحقق حق تامین امنیت او کمک می‌کند. (۱۸) تدبیرهای تامین امنیت بزه‌دیده این است که تا آن‌جا که امکان دارد باید از رویایی بزه‌دیده یا گواهان او با متهم در فرآیند جنایی جلوگیری شود. زیرا، ارفاق نظام عدالت جنایی به بزه‌کار نه تنها باید در راستای هم‌ترازی حقوق او و بزه‌دیده (از جمله مشروط به جبران خسارت بزه‌دیده یا پذیرفتن مسوولیت انجام آن) باشد، بلکه هرگز نباید بزه‌دیده و خانواده او را از گسترش آثار بزه‌دیدگی نخستین یا از بزه‌دیدگی دوباره هراسان کند. وانگهی، تعلیق مجازات، چه در حالت ساده و چه در شکل مراقبتی، هرگز مانع احقاق حقوق مادی و مالی بزه‌دیده نخواهد شد. (۱۹) ماده‌ی ۵۱ ق.م.ا در این خصوص، با برطرف کردن ابهام ماده‌ی ۳۱ ق.م.ا. ۱۳۷۰ (۲۰) که این منظور را به روشنی بیان نمی‌کند، بر ضرورت اجرای حکم ضرر و زیان، پرداخت خسارت یا دیه در حق بزه‌دیده تاکید می‌ورزد. (۲۱)

۲-۵. جبران خسارت مادی و معنوی از گذر پرداخت غرامت دولتی به بزه‌دیده وفق ماده‌ی ۱۳ ق.م.ا

ماده‌ی ۱۳ ق.م.ا (۲۲) یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حق بنیادی جبران برای بزه‌دیدگان را که در قانون اساسی نیز به رسمیت شناخته شده است، (۲۳) بیان می‌کند. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۲۰۲) مهم‌ترین ویژگی‌های ماده‌ی ۱۳ ق.م.ا را می‌توان چنین ارزیابی کرد: نخست، این ماده برپایه اصل مسوولیت مدنی نگاشته شده نه تنها مسوولیت مدنی ناشی از عمد را در برمی‌گیرد بلکه مسوولیت برخواسته از خطا را نیز پوشش می‌دهد. (۲۴) دوم، اگرچه جبران مادی بر پایه مسوولیت مدنی به آنچه در آیین دادرسی مربوط آمده احاله داده شده است، ولی ماده‌ی یاد شده نمایان‌گر این پیشرفت است که ضمانت اجرای کیفری تقصیر مرتکب را در جای دیگری در نظر داشته است. بر پایه، ماده‌ی ۱۳ ق.م.ا ضمن تاکید

بر حدود اصل قانونمندی مجازات، حق بنیادی جبران برای بزه‌دیدگان و حمایت کیفری از آنان را به‌طور ویژه تضمین کرده است.

سوم، ماده ۱۳.ق.م.ا همانند قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ که درباره جبران خسارت معنوی ساکت است، باز خسارت را به‌طور کلی بیان کرده است به‌نظر می‌رسد با عبارت «هرگونه خسارت» این‌گونه برداشت شود که خسارت معنوی عاطفی هم مدنظر قانون‌گذار باشد اعاده‌ی حیثیت به منزله‌ی رکن بنیادین جبران درد و رنج‌های عاطفی و حیثیتی برخواسته از جرم، از یک سو، یکی از ابزارهای پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی است که می‌تواند از گسترش آثار بزه‌دیدگی نخستین و تبدیل آن آثار به آسیب‌های روانی جلوگیری کند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۸۶). و از سوی دیگر، یکی از راه‌های دادگری ترمیمی که از رهگذر شرمسار بزه‌کار و تقویت حس مسوولیت‌پذیری او، به بازسازی بزه‌دیده و ترمیم نظم اجتماعی برهم خورده نیز کمک می‌کند. چهارم، یکی دیگر از ویژگی‌های ۱۳ ق.م.ا، پذیرفتن مسوولیت دولت در جبران خسارت (و به‌طور دقیق‌تر، پرداخت غرامت به) بزه‌دیدگان است. بر خلاف مسوولیت کیفری دولت که هنوز در سطح بین‌المللی پذیرفته نشده است، مسوولیت مدنی دولت موضوعیست که نخست در سطح حقوق داخلی و سپس در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شد (همان، صص: ۹۷ به بعد). بنیان این مسوولیت عبارت است؛ از ضرورت تداوم نظم اجتماعی و تضمین حمایت از حقوق افراد که چون دولت عهده‌دار تامین نظم و امنیت در جامعه است، بر دوش او قرار می‌گیرد (همان، صص: ۱۱۱-۱۱۰).

سرانجام، مهم‌ترین بازتاب یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی در ماده‌ی ۱۳.ق.م.ا که نیز مورد تاکید واقع شده است، به سواستفاده از قدرت مربوط می‌شود. (۲۵) برای نخستین بار مفهوم سواستفاده از قدرت را جهت نمایندن گونه‌های جدیدی از بزه‌دیده‌گی به گفتمان سیاست جنایی سازمان ملل متحد وارد ساخت بزه‌کاران فراقانون به آن دسته از اشخاص و مقام‌های دولتی و بلندپایه اشاره دارد(رایجیان اصلی، ۱۳۸۷: ۱۵) که از گذر قدرت سیاسی و اقتصادی خود بیرون از دسترس قانون و نظام دادگری جنایی قرار دارند جرم‌های ارتكابی این دسته یا همان

سواستفاده‌های مجرمانه از قدرت به تعبیر ژرژ پیکا (دادرس بلندپایه) یک بزه‌کاری طلایی به منزله‌ی عمل‌دارندگان قدرت سیاسی است که بدون هیچ ترسی از کیفر و در جهت نقض منافع شهروندان و جامعه ارتکاب می‌یابد (پیکا، ۱۳۷۰: ۵۶) این مفهوم که از جمله به‌طور ضمنی در اصول ۳۲ (بازداشت غیرقانونی)، ۳۸ (شکنجه)، ۳۹ (هتک حرمت و حیثیت) قانون اساسی ایران پذیرفته شده و به‌طور صریح به قوانین کیفری جاری نیز راه یافته است. (۲۶) به گونه‌ی جدیدی از جرم‌انگاری اشاره دارد که از شهروندان در برابر نقض حقوق بنیادی خود حمایت می‌کند. مرتکب سواستفاده از قدرت کارگزار دولتی یا عامل حکومتی است که در ق.م.ا. به دادرسان و مجریانی محدود شده است که در حدود قضاوت، تعیین کیفر یا اجرای آن از اختیارات خود سواستفاده و تجاوز کرده و بدین‌سان، حق‌های بنیادی زندگی و آزادی شهروندان را نقض می‌کنند. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۷: ۱۷)

۲-۶. توجه و تقویت جایگاه بزه‌دیده در سازو کارهای دفاع مشروع گذشت شاکی و عفو موضوع دیگری که در قانون می‌توان در راستای حمایت از بزه‌دیده از آن صحبت به میان آورد و مورد توجه قرار گرفته، موضوع دفاع مشروع است. که بار اثبات آن را قانون‌گذار به عهده‌ی مهاجم گذاشته قانون‌گذار در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۵۵ در جایی که اصل دفاع محرز بوده ولی شرایط آن به اثبات نرسیده، ضمن فرض دانستن تحقق و رعایت شرایط لازم برای دفاع، بار اثبات ادعای عدم رعایت شرایط دفاع را متوجه مهاجم نموده است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که قانون‌گذار کیفری بعد از انقلاب به تبعیت از قانون‌گذار عرفی و مکاتب کیفری و جرم‌شناسی مخصوصاً مکتب بزه‌دیده‌شناسی، به سرکردگی فون هانتینگ به مجنی علیه به‌عنوان یکی از عوامل موثر در ارتکاب جرم توجه و در صورت احراز آن دادگاه را مخیر نموده که مجازات مجرم را تخفیف و یا تبدیل نماید.

مورد دیگر بازتاب حمایت از بزه‌دیده در ق.م.ا. تقویت جایگاهی است که برای بزه‌دیدگان در جرم‌های قابل گذشت به رسمیت شناخته شده و نیز حمایت از حقوقی است که برای آنان در موارد عفو عمومی و خصوصی پیش‌بینی شده است.

به عبارت دیگر توجه به بزه‌دیده از طریق جایگاه مهم وی در جرم‌های قابل گذشت و تاثیر گذشت وی حتی بعد از قطعیت دادنامه از مهم‌ترین آموزه‌های جرم‌شناسی در قلمرو قوانین کشور محسوب می‌شود (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۸: ۴۷۲). نقشی که بزه‌دیده به منزله‌ی شاکی ایفا می‌کند، پیشینه‌ی بلندی دارد که هم در جوامع باستانی و در دوران معاصر (شایان، ۱۳۸۷: ۸۳-۸۴). همواره به آن بها داده شده است. نویسندگان ق.م.ا ۱۳۹۲ برخلاف ق.م.ا. ۱۳۷۰ که به‌طور پراکنده مقرراتی را در این خصوص پیش‌بینی کرده است، (۲۷) گذشت شاکی در جرم‌های حق‌الناس و قابل گذشت را یکی از موجبات سقوط مجازات در فصل یازدهم از باب کلیات محسوب کرده و مقررات مفصلی را به آن اختصاص داده است. (۲۸) در این میان، تبصره‌ی «یک» ماده‌ی ۱۰۰ و تبصره‌ی ماده‌ی ۱۰۲ حاوی حکمی است که در راستای تقویت جایگاه بزه‌دیده در جرایم قابل گذشت می‌باشد. بدین‌سان قانون‌گذار با بهره‌گیری از شیوه‌ی «شمارش قانونی جرایم قابل گذشت» فهرست کامل این جرایم را در متن قانون مشخص کرده و بدین‌وسیله از یک سو برای بزه‌دیده یا شاکی، نقش ویژه در شروع یا ادامه‌ی فرآیند کیفری در نظر گیرد و از سوی دیگر با تصریح خود زمینه‌ی فعالیت یافتن گذشت شاکی از مرتکب در جرایم تعیین شده نتیجه‌ی افزایش امکان رهایی بزه‌کار را از کیفر را بیش از پیش فراهم آورد.

ماده‌ی ۹۸ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «عفو همه‌ی آثار محکومیت را منتفی می‌کند. لیکن تاثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان دیده ندارد.» ماده‌ی فوق در بردارنده‌ی دو حکم کاملاً متفاوت از هم می‌باشد. نخست: عفو همه‌ی آثار محکومیت کیفری را از بین می‌برد. دوم: عفو هیچ تاثیری در جبران خسارت زیان‌دیده از جرم ندارد. منظور از عفو در ماده‌ی ۹۸ مطلق است و شامل عفو عمومی و خصوصی می‌شود. بر خلاف تبصره‌ی ۴ ماده‌ی ۶۲ مکرر ق.م.ا که مقرر می‌دارد: «عفو مجرم موجب زوال آثار مجازات نمی‌شود مگر این‌که تصریح شده باشد.» که در این‌جا منظور عفو خصوصی است. بدین‌سان نویسندگان ق.م.ا عفو عمومی یا خصوصی را مانعی برای جبران خسارت بزه‌دیده ندانسته و، بر ضرورت

حق جبران برای بزه‌دیدگان تاکید ورزیده‌اند. (۲۹) این تاکید، از فلسفه‌ی حق بنیادی جبران برمی‌خیزد که بر پایه‌ی آن، هر جا که مصلحت‌های نظم عمومی و عدالت جنایی، پیگرد و مجازات بزهکار یا عفو آنان را ایجاب کرد، حقوق بزه‌دیدگان، و به‌ویژه حق بنیادی جبران برای آنان، نباید گرفته شود. زیرا عدم احقاق این حق در هر شرایطی خود می‌تواند موجب رواج بی‌عدالتی و بی‌نظمی در جامعه شود و حس ستمگری، مظلوم‌ستیزی و انتقام‌جویی را میان افراد جامعه تقویت کند.

نتیجه‌گیری

توسعه‌ی جرم‌شناسی امروزه سبب شده که در سیاست‌گذاری‌های کیفری، آموزه‌های جرم‌شناسی به رسمیت شناخته شود به‌عبارت دیگر امروزه کم‌تر کسی هست که در عرصه‌ی سیاست‌گذاری به یافته‌های جرم‌شناسی بی‌اعتنا باشد. اما از آن‌جا که از یک سو، ادبیات بزه‌دیده‌شناسی در کشور ما غنایی ندارد، و از سوی دیگر پذیرش و کاربرد این دانش با موانع جدی فقه جزایی اسلام و ثبات برخی مجازات‌ها مواجه است نمی‌توان انتظار داشت که یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی انعکاس جدی در نظام عدالت کیفری ایران داشته باشند. «پذیرش و کاربرد داده‌های نوین جرم‌شناسی، مستلزم پذیرش معانی تئوریک آن در جامعه است این سخن بدان معنا نیست که آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی هیچ جایگاهی در نظام کیفری ایران ندارند بررسی‌ها نشان می‌دهد که نظام عدالت کیفری ایران در دو بعد قانون‌گذاری و به تبع آن رویه‌ی قضایی در گذشته و حال به‌صورت آگاهانه‌تر از داده‌های این دانش نوپا به‌صورتی ملموس تاثیر پذیرفته است» (جعفری و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۶).

در قوانین کیفری سابق مواردی از حقوق کیفری عمومی که از یافته‌های جرم‌شناسی (بزه‌دیده‌شناسی) تاثیر پذیرفته وجود داشت، از جمله می‌توان به جبران خسارت بزه‌دیده و توجه به نقش بزه‌دیده در وقوع جرم و جایگاه بزه‌دیده در جرایم قابل گذشت اشاره کرد اما در چند سال اخیر نویسندگان قوانین کیفری مثل سایر کشورهای دیگر و با رویکردی علمی با تاسی بیشتر از آموزه‌های

جرم‌شناسی (بزه‌دیده‌شناسی) و مکاتب جرم‌شناسی چه به صورت آگاهانه و چه به‌طور ناخودآگاه و یا بر اثر مطالعات تطبیقی حقوق عرفی به میزان قابل توجهی در راستای اصلاح قوانین و جرم‌شناسانه شدن قوانین گام برداشته است؛ که نفوذ و بازتاب این آموزه‌ها در بخش کلیات ق.م.ا. بیش‌تر قابل مشاهده می‌باشد. بدین ترتیب اگر تاکنون سیاست جنایی حول محور مجرم عمل می‌کرد، با ورود این رشته (بزه‌دیده‌شناسی) دارای تاسیساتی شده است که بخشی از آن شامل بزه‌دیده و حمایت از او می‌شود و از این پس در کنترل جرم و مبارزه با بزه‌کاری از خواسته‌های بزه‌دیده نیز پیروی می‌کند.

قانون‌گذار با الهام از آموزه‌های جرم‌شناسی نوآوری و پیشرفت‌های نسبت به قوانین سابق داشته است که می‌توان به‌کار بردن واژه‌ی «بزه‌دیده» به‌جای مجنی علیه و روحیه‌ی کدخدامنشی، توافقی شدن و ترمیمی در راستای حمایت از بزه‌دیده اشاره کرد. بدین‌سان بزه‌دیده‌شناسی در دو زمینه‌ی اساسی الهام‌بخش مقنن در تدوین مقررات این قانون بوده است؛ یکی در زمینه‌ی تعیین جرم و شدت و ضعف آن (توجه به نقش بزه‌دیده در وقوع جرم بزه‌دیده‌شناسی علمی): از رهگذر بند «پ» ماده‌ی ۳۸ و دیگری در زمینه‌ی جبران خسارت قربانیان اعمال مجرمانه که بتواند در ضمن دعوی کیفری به‌عنوان مدعی خصوصی خسارت وارده بر خود را مطالبه کنند (حمایت از بزه‌دیده): از رهگذر مواردی هم‌چون پیش‌بینی عدالت ترمیمی در راستای احقاق حق جبران برای بزه‌دیده (بند «پ» ماده‌ی ۴۰ ق.م.ا)، گسترش کیفرزایی از رهگذر تعویق مجازات و نظام نیمه‌آزادی در راستای حمایت از بزه‌دیده (مواد ۴۰ و ۵۸)، تقویت حمایت از بزه‌دیده در تعلیق مجازات (بند «چ» ماده‌ی ۴۳)، تقویت جبران خسارت مادی و معنوی از رهگذر پرداخت غرامت دولتی به بزه‌دیده (ماده‌ی ۱۳)، تقویت جایگاه بزه‌دیده در سازوکارهای گذشت شاکی و عفو (تبصره «یک» ماده‌ی ۱۰۰ و تبصره ماده‌ی ۱۰۲ و ماده‌ی ۸۹) بدین‌ترتیب امروزه رویکرد حمایت از بزه‌دیده یا همان بزه‌دیده‌شناسی حمایتی نیز اغلب نظام‌های کیفری را متحول کرده و زمینه‌ی پیش‌بینی مقررات حمایت از بزه‌دیدگان را مهیا ساخته است؛ از آن‌چه که بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که

حمایت از قربانیان جرم می‌تواند نقش اصلی را در کاهش پدیده‌های مجرمانه ایفا کرده و در تحقق عدالت کیفری، بازسازی شخصیت بزه‌دیده و تامین خسارت‌های مادی و معنوی وی تاثیرگذار باشد. توجه به نقش بزه‌دیده در وقوع جرم که از دستاوردهای بزه‌دیده‌شناسی علمی است در قضاوت‌های کیفری نیز می‌تواند موثر باشد بدین‌سان جرم‌شناس قاضی کیفری را به ماشینی به‌شمار نمی‌آورد که اعمال مجرمانه را با قانون تطبیق دهد در این حالت قاضی باید به خصوصیات و حالات بزه‌کار و علل و انگیزه‌های ارتکاب جرم و اوضاع و احوالی که در آن مرتکب جرم شده است (رفتار و گفتار تحریک) توجه کند.

در نتیجه نویسندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با هوشیاری و آگاهی نسبت به آموزه‌های جرم‌شناسی بزه‌دیده، بزه‌دیده را به‌عنوان یک بازیگر فعال در عرصه عدالت کیفری مورد توجه قرار دادند که این توجه ویژه و تقویت جایگاه و نقش بزه‌دیده در فرآیند دادرسی کیفری (توجه به نقش بزه‌دیده در وقوع جرم و حمایت از بزه‌دیده) زمینه‌ی اجرای عدالت و تحقق اصل فردی شدن مجازات‌ها را فراهم می‌کند.

پی‌نوشت‌ها*

۱- Delmas Marty

۲- Hons Von Honting

۳ - The offender and his victim

۴- جرم‌شناسی علمی به‌دنبال چاپ کتاب «انسان بزه‌کار» لمبروزو در سال ۱۸۷۶ (تاریخ تولد جرم‌شناسی علمی) به‌وجود آمد.

۵- Jean Pinatel

۶- Herman Mannheim

۷- قانون مجازات اسلامی: بخش تعزیرات، ماده‌ی ۶۳۰.

۸- قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: ماده‌ی ۲۶۱.

۹- بند «پ» ماده این‌گونه مقرر می‌دارد: اوضاع و احوال خاص موثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه‌ی شرافتمندانه در ارتکاب جرم.

۱۰- برای مطالعه بیش‌تر رک: اکبری، سید صادق، بازتاب آموزه‌های جرم‌شناسی در بخش کلیات ق.م.ا، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات خوزستان، ۱۳۹۲.

۱۱- در ق.م.ا. ۱۳۷۰، افزودن بر تخفیف و تبدیل مجازات، فقط تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط در راستای سیاست کیفرزدایی پذیرفته شده

۱۲- به موجب ماده ۳۹ ق.م.ا در جرایم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنان‌چه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری موثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.

۱۳- به موجب ماده ماده ۴۰- در جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد: بند «پ» همین ماده مقرر می‌دارد: جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران.

۱۴- ماده ۵۷ ق.م.ا در این زمینه پیش‌بینی می‌کند: در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادر کننده حکم قطعی می‌تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تامین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده موثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه‌آزادی قرار دهد. هم‌چنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه‌آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است.

- ۱۵- در این زمینه، نک: ماده ۲۹ ق.م.ا. ۱۳۷۰.
- ۱۶- بر پایه‌ی ماده‌ی ۴۸- «تعلیق مجازات با رعایت مقررات مندرج در تعویق صدور حکم، ممکن است به‌طور ساده یا مراقبتی باشد.»
- ۱۷- ولیدی، محمد صالح؛ نقش تعدیل‌کننده مراقبتی به‌عنوان کیفر جایگزین زندان، ماهنامه‌ی دادرسی، انتشارات سازمان قضایی نیروهای مسلح، شماره ۲۲، ص ۸.
- ۱۸- قانون‌گذار شرایط صدور حکم تعلیق مراقبتی را همان شرایط صدور حکم تعویق مراقبتی در ماده ۴۳ پیش‌بینی کرده است. بند «چ» همین ماده این‌گونه مقرر می‌دارد: «چ- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه.
- ۱۹- در این زمینه، بند «پ» ماده‌ی ۴۰ ق.م.ا. دیگر از شرایط اختیاری تعلیق مراقبتی را الزام به جبران زیان‌های ناشی از جرم یا تربیت جبران آن دانسته است که می‌توان آن را نمود دیگر از عدالت ترمیمی محسوب کرد.
- ۲۰- در مورد ابهام ماده ۳۱، نک: رضا نوربها، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، چاپ بیستم، انتشارات گنج دانش، ص ۴۲۵.
- ۲۱- ماده ۵۱ ق.م.ا. این‌گونه مقرر می‌دارد: «تعلیق اجرای مجازات محکوم نسبت به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد و حکم پرداخت خسارت یا دیه در این موارد اجرا می‌شود.
- ۲۲- به موجب این ماده: «حکم به مجازات یا اقدام تامینی و تربیتی و اجرای آن‌ها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسوولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود.»
- ۲۳- نک: اصل ۱۷۱ قانون اساسی.

۲۴- منبع مهم اصل مسوولیت مدنی در حقوق ایران را می‌توان قانون مسوولیت مدنی ۱۳۳۹ و به‌ویژه ماده ۱ آن دانست که پیش‌بینی می‌کند: ((هر کس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگر که موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسوول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد)).

۲۵- پیش‌نویس کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد دادگری و پشتیبانی برای بزه‌دیدگان و قربانیان سواستفاده از قدرت (هشتم فوریه ۲۰۱۰)

۲۶- برای نمونه، نک به ترتیب به: ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و بند ۱ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳ که اصطلاح‌های "سواستفاده از مقام" و "سواستفاده از قدرت" را به‌کار برده‌اند.

۲۷- نک: ماده ۲۳ و تبصره آن.

۲۸- نک: مواد مواد ۱۰۰-۱۰۴.

۲۹- ماده ۸۹ ق.م.ا در این خصوص پیش‌بینی می‌کند: عفو، همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند لکن تاثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان‌دیده ندارد.

منابع و مأخذ*

- آنسل، مارک (۱۳۹۱). **دفاع اجتماعی**، ترجمه‌ی م.د آشوری و ع.ح. نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- آقایی جنت‌مکان، حسین، (۱۳۹۰). **حقوق کیفری عمومی**. جلد نخست، تهران: انتشارات جنگل.

- اکبری، سیدصادق، (۱۳۹۲). **بازتاب آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی**. پایان‌نامه برای درجه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و تحقیقات خوزستان.

پیکا، ژرژ (۱۳۷۰). **جرم‌شناسی**، ترجمه‌ی علی‌حسین نجفی‌ابرندآبادی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- توجهی، علی، (۱۳۷۸). سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیدگان، مجله‌ی مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، ۴: ۴۶-۲۷.
- دلماس-مارتی، م، (۱۳۷۶). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی. ترجمه‌ی ع. ح نجفی ابرندآبادی، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- دلماس-مارتی، میری، (۱۳۷۶). از حقوق جزا تا سیاست جنایی، ترجمه‌ی ع. ح نجفی ابرندآبادی، مجله نامه مفید، ۱۱: ۱۹۴-۱۷۹.
- صلاحی، جاوید، (۱۳۸۹). جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۹۰). بزه‌دیده‌شناسی حمایتی. چاپ دوم، تهران: انتشارات دادگستر.
- رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۸۷) جایگاه بزه‌دیده در لایحه قانون مجازات اسلامی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۳،.
- رحیمی‌نژاد، اسمعیل، (۱۳۸۸). جرم‌شناسی. چاپ اول، تهران: انتشارات فروزش.
- حاجی‌ده‌آبادی، الف، (۱۳۸۵). از جبران خسارت بزه‌دیده توسط بزهکار تا جبران خسارت توسط دولت، مجله‌ی فقه و حقوق، ۹: ۱۲۲-.
- حسینی نژاد، حسینقلی، (۱۳۷۳). حقوق کیفری بین‌الملل، نشر میزان، چاپ اول.
- جان بریث ویت، (۱۳۸۵). ((عدالت ترمیمی))، ترجمه‌ی مهرداد رایجیان اصلی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌ی ۴۳، بهار و تابستان.
- جعفری، عبدالرضا جوان جعفری و شاهیده، فرهاد، (۱۳۹۲). رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده در قوانین و مقررات کیفری و رویه‌ی قضایی ایران، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی بهار و تابستان شماره‌ی ۵.
- سماواتی پیروز، امیر، (۱۳۸۵). عدالت ترمیمی: تعدیل تدریجی به عدالت کیفری یا تغییر آن، تهران، نگاه بینه.

- شایان، علی. (۱۳۸۴). **عدالت برای بزه‌دیدگان** [ترجمه]، چاپ اول، قم: انتشارات سلسبیل.
- شیخ‌الاسلامی، عباس، (۱۳۸۸) **جایگاه یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات تقنینی کیفری ایران**، علوم جنایی (مجموعه مقالات تجلیل از دکتر آشوری).
- فرجیها، محمد، (۱۳۸۲). **جنبه‌های تاثیر یافته‌های جرم‌شناسی بر سیاست جنایی**، فصلنامه‌ی دانشگاه مدرس، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۱، ۱۳۸۲.
- فتاح، عزت، (۱۳۷۱). **از سیاست مبارزه با بزه‌کاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده (ضرورت یک تغییر بنیادی در سیاست جنایی کنونی)** ترجمه‌ی علی‌حسین نجفی‌ابرنادآبادی، مجله‌ی قضایی و حقوقی دادگستری، شماره‌ی ۳، ص ۳۹۶.
- گسن، ریموند، (۱۳۸۸). **جرم‌شناسی نظری**، ترجمه‌ی دکتر کی‌نیا، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لپز، ژ؛ فیلیزولا، ژ، (۱۳۸۸). **بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی**. ترجمه‌ی ر کرد علیوند؛ الف محمدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- نوربها، رضا، (۱۳۸۶). **زمینه‌ی حقوق جزایی عمومی**. چاپ بیست و هفتم، تهران: انتشارات دادافرین.
- نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین، ۷۰-۷۱، **مباحث در علوم جنایی**، تقریرات درس **تاریخ تحولات کیفری (کلیات سیاست جنایی)**، دوره‌ی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ناصر قاسمی، سال
- نجفی‌ابرنادآبادی، ع. ع. سال تحصیلی ۱۳۷۴، **تقریرات درس بزه‌دیده‌شناسی**، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی‌ابرنادآبادی، ع. ع. سال تحصیلی ۱۳۸۷، **تقریرات درس بزه‌دیده‌شناسی علت‌شناختی**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی‌ابرنادآبادی، ع. ع. ح. (۷۴-۱۳۷۳). **مباحثی در علوم جنایی**، تقریرات درس **جرم‌شناسی (بزه‌دیده‌شناسی)**، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، دوره‌ی کارشناسی، تهیه و تنظیم: فاطمه قناد.

نجفی ابرندآبادی، ع. ح. (۸۷-۱۳۸۶). مباحثی در علوم جنایی، تقریرات درس جرم‌شناسی (بزه‌دیده‌شناسی علت شناختی)، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، دوره کارشناسی، تهیه و تنظیم: مجید صادق‌نژاد نایینی.